

The Ontology of the Book “*Interaction in literary Genres*” Under the Review Scale

Rasoul Balavi*

Abstract

This book deals with interaction which is one of the important criticism problems related to literary genres. Interaction is regarded as a perfect standing for literary genres. The researcher Basma Aros tried to examine this idea and Maqamah and how much this prosimetric literary genre accedes to interactive reading. Choosing Maqamah as a project for this study was a conscious choice because Maqamat is regarded as the basis of the literary genres, and it went beyond other prosimetric literary genres. We chose the book “*the Tiger and the Wolf*” written by Sahl Ibn Haroon because it contains conflicting interaction be embodied in an interrelated genre approach. To accomplish this study, the researcher also worked on Maqamat "Badi Al-zamn Al-Hamadzani" and Maqamat "Abi Qasem Al-hariri. According to the descriptive-analytical method, In this critical study, we will focus on the mentioned book to reach some points of conclusion which reveal the rank and importance of this book. Our results show that this book aims at disclosing the secrets of interactive relations among literary genres and their contribution in changing the viewpoint to the genres and their role in the interactive course. In order to show the role of interaction in reading prosaic texts through applying old and modern opinions, the researcher chose the Maqam genre because it includes an exciting genre interaction.

Keywords: Vantage Points, Maqamat, Interaction in Literary Genres, Basma Aros

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, r.ballawy@pgu.ac.ir

Date received: 01/10/2020, Date of acceptance: 20/02/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آنتولوژی کتاب "التفاعل فی الأجناس الأدبية" در ترازوی نقد (ارتباط‌مندی در ژانرهای ادبی)

رسول بلاوی*

چکیده

این کتاب به بررسی موضوع مهمی از موضوعات عرصه نقد، در خصوص ژانرهای ادبی از جمله کارکردهای ارتباطی، به‌عنوان ویژگی مکمل انواع ادبی پرداخته است. مؤلف کتاب، بسمه عروس، این مفهوم و پیوندش با مقامه و نیز میزان همسانی آن با خوانش ارتباطی را مورد مطالعه قرار داده است. ارزش ادبی مقامات و جایگاه برتر آن نسبت به سایر متون مثبور را می‌توان از جمله دلایل انتخاب آن، به عنوان ماده اولیه پژوهش یاد کرد. نویسنده کتاب برآن است بُعد ارتباطی متفاوتی، ضمن ژانرهای ادبی متداخل را به‌وسیله مطالعه کتاب "النمر والتعلب" سهل بن هارون بررسی کند؛ همانگونه که مؤلف، مقامات «بديع الزمان همدانی» و «ابو القاسم حریری» را محور پژوهش قرار داده بود. این مقاله بر اساس رویکرد توصیفی - تحلیلی، خواهان بازبینی و نقد کتاب مذکور به منظور جلی ساختن اهمیت آن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این کتاب سعی در عیان نمودن کارکردهای ارتباطی موجود در ژانرهای ادبی و میزان تأثیرگذاری آن در تغییر نگرش به ژانرها و همچنین نقش آن در روند ارتباط‌مندی است. بسمه عروس نیز به‌منظور اجرای دیدگاه‌های نقدی جدید و قدیم و با هدف رونمایی از نقش بارز ارتباطی در خوانش متون مثبور، به ژانر مقامه که حاوی راندمانی ارتباطی و محرک است، روی آورده است.

کلیدواژه‌ها: آنتولوژی، مقامات، ارتباط‌مندی ژانرهای ادبی، بسمه عروس.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر (نویسنده مسئول)، r.ballawy@pgu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

۱. مقدمه

بیشتر نویسندگان به ابداع و نوآوری شیوه‌های جدید بیان روی می‌آورند، و لاجرم این نوآوری گاهی به نابودی متن اصلی، و گاهی به تضعیف آن می‌انجامد. حال آن که می‌توان از این روش، به‌عنوان ابزار ساخت و تخریب نیز یاد کرد. لازم به ذکر است که با وجود تمام این مسائل، مسأله نوآوری یک تلاش مداوم و غیر منقطع از جانب نویسندگان جهت پویایی نوشته‌های جدید می‌باشد و به این منظور، ژانرهای گوناگون و سبک‌های متعددی را برای این امر به کار می‌گیرند، این ژانرها در هم تنیده می‌شوند، و کارکردهای ارتباطی نویسنده از یک سو و متون باستانی قدیمی انباشته شده از سوی دیگر را آشکار می‌سازند، که نویسنده با استفاده از آنها متن جدید خود را به عرصه ظهور می‌آورد، و این پدیده‌ای است که با عنوان کارکردهای ارتباطی یا تداخل ژانرها از آن یاد می‌شود (فلاح، ۲۰۱۶م: ۵۹).

همپوشانی و تداخل ژانرهای ادبی، در دو سطح نوآوری و انتقادی، امری دیرینه به حساب می‌آید، زیرا داستان‌های شاعرانه و موزون حضور گسترده‌ای در زمینه میراث شعری عرب دارد، همچنین مقامه، زندگینامه‌های فولکلور، و داستان هزار و یک شب و دیگر آثار از این قاعده مستثنی نیستند. چرا که تمامی آنها، ترکیبی از فنون نظم و نثر می‌باشند. همپوشانی و تداخل ادبی نیز با جای گرفتن مجموعه‌ای از ژانرهای ادبی در ترکیبی از فضای ادبی منحصر نمی‌شود، بلکه به تکثیر یک ژانر به مجموعه ژانرهای متجانس همگن سازگار در یک متن امتداد می‌یابد (ترکی، بی تا: 20).

برخی از ژانرها، همچون خطابه و رسائل، بسیار شبیه به هم و نزدیک به هم دیده می‌شوند، و آن به دلیل وجوه سبکی مشترک و چگونگی بیان و روایت آنها می‌باشد (یحیوی، ۱۹۹۱م: ۸). بر کسی پوشیده نیست که متون منشور به دلیل برخورداری از فضایی آزاد در تکنیک بیان و روایت آنها، از جمله ژانرهای ادبی به شمار می‌آیند که توانایی جذب و بهره‌گیری از دیگر ژانرهای ادبی را دارا هستند (عتیق، ۲۰۰۸م: ۱۰۳۴). برجسته‌ترین متون ادبی در فن مقامات نمود یافته‌اند که در ساختار هنری خود، ژانرهای ادبی دیگری را در بر گرفته‌اند. تا آنجایی که "بسمه عروس" در کتاب خود تحت عنوان «التفاعل فی الأجناس الأدبية: مشروع قراءة لنماذج من الأجناس النثرية القديمة» به مطالعه مقامات و تطبیق پژوهش‌های نظری بر آن پرداخته است.

بسمه عروس پژوهشگری از شبه جزیره عربستان، و دارای درجه دکتری در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشکده ادبیات منوبه تونس است. وی هم اکنون با مرتبه علمی دانشیاری عضو هیئت علمی دانشگاه الملک سعود در بخش زبان و ادبیات عربی است. وی در این پروژه پژوهشی سترگ و مهم، به دنبال بیان مفهوم اثرپذیری با تکیه بر مجموعه‌ای از نظریات ادبی، و نقش فعال آن در خوانش درونی متون مورد بررسی، که کنکاشی بر کارکردهای ارتباطی مقامات بشمار می‌رود، است.

پژوهشگر با این فرضیه کار خود را آغاز می‌کند که «ژانرهای ادبی و دیگر سبک‌های مرتبط به آن، ساختارهایی متحول و دگرگون شده‌ای هستند که توانایی تغییر و تبدیل به گفتمان‌هایی دیگر را دارند، همچنین این ژانرها قادر به تغییر خویش نیز هستند، گرچه در اصل ژانری مستقل با رویکردی مستقل بوده و می‌تواند تبدیل به انواع گسترده‌تری شود و در ویژگی‌های خود تغییراتی منطبق با وضعیت جدید اعمال کند و چنانچه این امر روی دهد، به سازه‌ای از سازه‌های یک همبستگی فراتر و گسترده تبدیل خواهد گشت (عروس، ۲۰۱۰م: ۱۱-۱۲). بسمه عروس، مقامه را برای آزمایش این فرضیه از میان متون ادبی فراوان انتخاب کرده است، چرا که مقامات مذهب نوشتاری خاصی در ادبیات عرب است که برخی ناقدان آنرا یک جنس ادبی فراگیر و یک شکل پیرامونی می‌دانند، که سبک‌های مختلف و ژانرهای دیگر را در بر می‌گیرد.

۱.۱ سؤالات پژوهش

در این پژوهش بر آنیم تا به سؤالات زیر جواب دهیم:

- پژوهشگر بسمه عروس تا چه حد در مطالعه کتاب و پرداختن به موضوع و محتوای آن و مطابقت و برابر سازی نظریات بر آن موفق بود؟
- معایب و محاسن این کتاب کدامند؟
- آیا این کتاب بعنوان ماده درسی در مراحل بالاتر تحصیلی مفید است؟

۲.۱ پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این راستا انجام شده است می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

«فرج بن رمضان» (۲۰۱۱م) کتابی با عنوان «الأدب العربي القديم ونظرية الأجناس؛ إشكالية القصص» نوشته است. نویسنده در این کتاب به مسأله خوانش ارتباطی (مقاربة الأجناس) در ادبیات عربی قدیم و همچنین به مطالعه مجموعه‌ای از داستان‌ها می‌پردازد و بر میزان اثرپذیری این داستان‌ها با روش‌های نوشتاری خارج از آنها، یا ارتباطشان با برخی ژانرهای دور و نزدیک، تاکید می‌کند. با این حال، نظارت بر اثرپذیری و تلاش برای تعریف قوانین و مفاهیم آن؛ هدف این پژوهش نبوده، بلکه در واقع به انواع داستان‌سرایی به‌واسطه توصیف تمایزها و اشتراک‌ها اهمیت نشان داده است.

همچنین در این راستا می‌توان به «صالح بن رمضان» اشاره کرد که به نام‌های ادبی (الرسائل الأدبية) اهتمام وافری داشته و در پژوهش‌های وی شاهد آنیم که نویسنده بر کارکردهای ارتباطی در نامه‌نگاری‌های ادبی، همچنین همپوشانی ژانرها با یکدیگر و تداخل سبک‌ها که از ویژگی‌های این نوع نوشتار است، تمرکز خاصی از خویش به عمل آورده.

پژوهشی دیگر به قلم «نادر قاسم» (۲۰۱۶م) تحت عنوان «نظرية تطور الأجناس الأدبية في ضوء النظريات النقدية الحديثة: مقارنة نقدية تحليلية» در مجله اماراباک منتشر شده است. این پژوهش نظریه تکامل ژانرهای ادبی را به‌عنوان مشکلی برای منتقدان و دانش‌پژوهان مورد مطالعه قرار می‌دهد، به ویژه با نظر به ماهیت ژانر ادبی و اهمیت آن و با توجه به تئوری ادبیات و نظریه‌های انتقادی مدرن فردینان برونیتر (Ferdinand Brunetiere)، رنه ولک (René Wellek)، ژرارد ژنت (Gérard Genette)، جولیا کریستوا (Julia Kristeva) و رولان بارت (Roland Barthes) در دوره پس‌اساختارگرایی اهمیت آنرا به تصویر می‌کشد.

«حسن دخیل الطائی» (۲۰۱۳م) مقاله‌ای با عنوان «تداخل الأنواع الأدبية النشأة والتطور» به‌رشته تحریر در آورده است. این نویسنده در این پژوهش به نظریه انواع سبک‌های ادبی، و کنکاش در اصولی که آثار ادبی بر پایه آن نگاشته می‌شود، همچنین ویژگی نوشتارهای ادبی که براساس ژانر خاص و سبکی معین نوشته شده باشند؛ می‌پردازد. همچنین پژوهشگر از علل پیشرفت و ترقی انواع ژانرهای ادبی و چگونگی از بین رفتن واژگان، نظریه، و انقراض آنها سخن به میان می‌آورد.

«حسین ابویسانی» (۱۳۹۸ش) پژوهشی با عنوان «الأدب المقارن في الدراسات المقارنة التطبيقية در بته نقد» نگاشته که در مجله «پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی» در شماره هشتم منتشر شده است. پژوهشگر در این پژوهش پس از بررسی

مهم ترین نقاط قوت و ضعف به این نتیجه می‌رسد که این کتاب با وجود موفقیت چشمگیر در دستیابی به برخی اهداف مدنظر، از لغزش‌ها و نواقص تهی نیست. اما در رابطه با نقد کتاب «التفاعل فی الأجناس الأدبية: مشروع قراءة لنماذج من الأجناس الثرية القديمة» اثر بسمه عروس، با نگهداشت جانب احتیاط علمی باید گفت که به هیچگونه مورد پژوهشی در این زمینه دست نیافته ایم، و این پژوهش اولین کار در این راستا است.

۲. اصطلاح کارکردهای ارتباطی

بر اساس ادعای بسمه عروس در کتاب خود، اصطلاح تعامل را اصطلاحی مبهم در میان نوشته‌های پیشین یاد می‌کند، وی می‌نویسد:

اگر مفهوم اصطلاح تعامل را بررسی کنیم، به سختی می‌توان تعریفی دقیق، جامع و مانع برای آن به دست آورد، و هرآنچه در این باره یافت می‌شود، اشاره‌ها و تعریف‌های مختصر و پراکنده‌ای است که در بطن کتاب‌ها با هاله‌ای از ابهام بیان شده‌اند. (عروس، ۲۰۱۰م: ۴۵).

نوشتارهای ادبی بهترین و گسترده‌ترین زمینه برای مطالعه جنبه‌های کارکردهای ارتباطی است، زیرا که پیوند و انسجام عناصر نوشتار ادبی، وظایف کارکردهای ارتباطی و تعامل آنها را در متن نشان می‌دهد. فعل و انفعالات دیگر فقط دامنه فرم نیست، بلکه بیشتر روی سطوح خاص‌گرایی رسمی و عملکرد ادبی متمرکز است. اگرچه اصطلاح «تعامل» اغلب در آثار فرمالیست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما می‌توان مبانی نظری تعامل ژانرهای ادبی را بیش از آنچه در مبحث دیگری یافت می‌شود از طریق جستجوی آنها برای توسعه ادبی نشان داد. مهم‌ترین چیزی که به فرمالیست‌ها نسبت داده می‌شود، ایجاد مفهوم تعامل از طریق صحبت در مورد ویژگی ادبی و زبانی یا دو عنصر ادبی و زبانی است (همان: ۵۶ و ۵۷).

فرمالیست‌ها تعامل را به شکل یک نظریه کامل و موجود، یا مفهومی که دارای عناصر و ارکان کامل باشد، نمی‌دیدند. بلکه به‌عنوان رویکردی از رویکردهای تفسیر توسعه ژانرهای ادبی و گونه‌ای از گونه‌های بیان شکل ظاهری و ویژگی‌های مختلف موجود در درون متون ادبی به آن می‌نگریستند. و پیوسته به مسأله پیشرفت ادبی و

مفهوم ساختار، به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی، اشاره داشته‌اند، در حالی که مفهوم «تعامل»، که آن نیز یک مفهوم اساسی است، به‌عنوان یک امر مسلّم و آشکار، در سخن آنها ذکر نشده است. (همان: ۵۷).

از این سخن به این نتیجه می‌رسیم که فرمالیست‌ها به پدیده کنش متقابل، به‌عنوان یک نظریه مستقل نمی‌نگرند، بلکه آنرا روشی برای تفسیر ژانرهای ادبی می‌دانند.

۳. ژانرهای ادبی

در کتاب «معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها» آمده است که «ژانر در لغت، شکل و قسمتی از یک چیز است و از نوع کلی‌تر است» (مطلوب، ۲۰۰۰م: ۲۶۴). واژه «ژانر» به معنای اصل و تولّد، لحاظ شده است، و در معنای عام بر مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که انواعی را دربرمی‌گیرد و این انواع، در برابر آن مجموعه، به مثابه فرع از اصل است (قسومه، ۲۰۰۴م: ۱۰۰). ژانرهای ادبی به مجموعه نوشتارهایی گفته می‌شود که ویژگی‌های معینی، چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ محتوا، آنها را به هم مرتبط می‌سازد. و پژوهشگران بر این نکته اتفاق نظر دارند که به سختی می‌توان تعریفی دقیق و جامع برای ژانر ادبی ارائه داد (مبارکیه، ۲۰۱۷م: ۷).

از جمله نظرات و آراء نوین، در رابطه با تقسیم‌بندی کلاسیک ژانرهای ادبی، نظریاتی است که فرمالیست‌های روسی آنها مطرح کرده‌اند، مبنی بر اینکه فرم یک اثر ادبی، و چگونگی شکل‌گیری آن، نشان دهنده جایگاه آن اثر در یک ژانر ادبی خاص می‌باشد. این همان چیزی است که توماشفسکی آنها چهره ژانر ادبی خواند و گفت: «همانا تشخیصی متناوب مابین کثرت و نقصان، برای آثار متنوع ادبی، با توجه به انسان شیئی شده (مسلط) که ترکیب ژانر ادبی را تنظیم می‌کند، این تمایز انسان می‌تواند ریشه‌های مختلفی داشته باشد» (قاسم، ۲۰۱۶م: ۴۰).

نظریه تکامل ژانرهای ادبی نظریه‌ای است که منتقد فرانسوی، فردیناند پرونیور (۱۸۴۹-۱۹۰۶)، تحت تأثیر نظریه داروین، در رابطه با توسعه علم زندگانی و حیات، آن را بیان می‌کند، که آن نظریه در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. ژانرهای ادبی از وجود خارجی مشخص و ثابتی برخوردارند، که در آن هر ژانر ادبی با ویژگی‌هایی جدا می‌شود که آنرا از دیگری متمایز می‌کند، گرچه گاهی اوقات شباهت‌هایی بین ژانرهای ادبی وجود دارد.

۲. هر ژانر ادبی زمان خاص خود را دارد که در آن متولد می‌شود، رشد می‌کند و منقرض می‌شود، لذا در یک بازه زمانی خاص زندگی خودش را دارد.

۳. ژانرهای ادبی ممکن است به طور طبیعی در کردار، رفتار و فرهنگ مردم بوجود آیند، بدون اینکه از ادبیات ملل دیگر جهت رشد و پیشرفت یاری جویند. پژوهشگر برای استفاده از این نظریه بایستی از مرزهای زبان ملی خود فراتر رفته و به زبان‌های دیگر سوق یابد، بنابراین پژوهشگر در ادبیات آنها به دنبال ریشه ژانر ادبی است که با آن سروکار دارد، براساس آن برونتر به توجّه و مطالعه ادبیات تطبیقی سفارش کرده است (تلیمه، ۱۹۷۶م: ۳۵).

از جمله انتقاداتی که متوجّه شیوه تدریس فردیناند برونتر در ارتباط با تدریس ژانرهای ادبی شده، این است که برای ژانرهای ادبی هیچگونه وجود مستقلی در نظر نمی‌گرفت مگر اینکه همانند نژادهای حیوانی پیشرفت حتمی داشته باشد، همچنین برونتر تمام وجود خود را وقف ژانرهای ادبی کرد، در حالی که وظیفه اصلی وی پژوهش ملت‌ها و پیشرفت آنها بوده است، همچنین هر آنچه جوامع آنها از تقلید خود به ادبیات عرضه می‌کنند.

اگرچه برخی از منتقدان در تعریف دقیق مفهوم ژانرهای ادبی با مشکل روبرو شده‌اند، اما می‌بینیم که ژان «میشل کالووی» اعلام می‌کند که ژانرهای ادبی انواع تجربی هستند که حداقل در برون‌یابی از این موارد، یعنی با استفاده از یک فرایند استنتاجی به وجود می‌آیند؛ با این حال شاید این تعریف دقیقی نباشد. آنچه برای ما حائز اهمیت است اشاره به این واقعیت است که تئوری ژانرها به مرور زمان به خلاقیت پی می‌برند (ویس، ۲۰۰۹م: ۲۶). با این حال، روند طبقه‌بندی آثار ادبی خلاق به ژانرها و سبک‌ها کاری آسان نیست، بلکه روندی است که با مشکلات زیادی روبرو است (الطائی، ۲۰۱۳م: ۴۵). بسمه عروس نویسنده کتاب «التفاعل فی الأجناس الأدبية» رشته پیچیده کارکردهای ارتباطی را برای پروژه مهم خود انتخاب کرده، بی شک این پیچیدگی در تعریف این رشته، و خوانش ارتباطی نیاز به تلاش و زمان فراوانی دارد.

۴. معرفی کتاب

این کتاب در شهر بیروت توسط انتشاراتی با نام «مؤسسه الانتشار العربی (بنیاد نشر عرب)» در سال (۲۰۱۰م) منتشر شده است. حجم کتاب اینگونه است که اندازه آن (۲۴ × ۱۷)، در یک جلد و دارای ۴۶۰ صفحه است. این کتاب در واقع پایان‌نامه مرحله دکترای رشته زبان‌وادبیات عرب بود، که در (۱۸ فوریه ۲۰۰۴) از آن دفاع شد. به عقیده پژوهشگر، این کتاب جهت بررسی مسأله ژانرهای ادبی نوشته شده است، بسمه عروس بیان می‌کند:

یکی از مباحثی که در مطالعه ژانرهای ادبی مطرح می‌شود، مسأله کارکردهای ارتباطی و بررسی پیشرفت و انقراض انواع ادبی همچنین فرم آن، در دوره معین که از ابتدای قرن سوم آغاز و تا انتهای قرن ششم هجری را شامل می‌شود. (عروس، ۲۰۱۰م: ۱۵).

این کتاب به ویژه در زمینه نثر قدیم و مرتبط با مقامه توانسته است مطالب انتقادی ارزنده‌ای را به خواننده ارائه دهد.

۵. محورهای کتاب

این کتاب در یک جلد مشتمل بر ۴۶۰ صفحه منتشر شده است. پس از فهرست، صفحه‌ای به‌منظور سپاس‌گذاری اختصاص داده شده که نویسنده در آن مراتب قدردانی و تشکر خویش از کمیته داوری، که این رساله را داوری کرده‌اند، و کسانی که در روند نوشتن این پژوهش او را یاری رسانده‌اند و از ابتدا تا به انتها وی را همراهی نموده‌اند، به‌عمل آورده‌است. همچنین مقدمه دکتر حمادی صمود^۲، استاد راهنمای پایان‌نامه را نیز در ابتدای کتاب درج کرده است. وی در این مقدمه از اهمیت این پژوهش سخن به‌میان آورده، همچنین مراحل و سختی‌هایی که نویسنده در روند نوشتن این پژوهش پیش رو داشته را در مقدمه ملاحظه می‌کنیم.

به عقیده نگارنده این پژوهش؛ دیباچه‌ای که حمادی صمود نوشته است، دارای مطالبی مهم‌تر و روشن‌کننده این مسأله است، لذا اهمیتی فراتر از مقدمه بسمه عروس دارد. در ارتباط با مقدمه خود پژوهشگر باید گفت که؛ واضح و مبرهن است که پژوهشگر در ارتباط با دیباچه شرح مفصل و خسته‌کننده‌ای عرضه داشته است و بر شناسایی مفهوم «تعامل» بر اساس آراء نظریه‌پردازان غربی اعتمادی تام داشته که این امر سبب شده تا زبان

نویسنده زبانی سخت و نامفهوم جلوه کند. در ضمن نویسنده در قسمت مقدمه، مسائل مربوط به شرح نظریه را به طور مفصل بیان کرده است، و نیازی به اختصاص یک فصل به تعاریف مجدد نظریه نیست، و می‌بینیم که نویسنده در فصل اول تمرکز غیر قابل توجیه بر تعریف و توصیف نظریه دارد در حالیکه می‌توانست در مقدمه‌ها از این کار چشم‌پوشی کند. بسمه عروس کتاب خود را به دو بخش تقسیم کرده است که به شرح زیر است:

بخش اول: جمع‌بندی تعاریف تفاعل (کارکردهای ارتباطی). این بخش نظری شامل دو فصل است. **فصل اول** درباره معنای کارکردهای ارتباطی که این موضوع با چهار مضمون فرعی سروکار دارد و پس از هر محور نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

اولین محور از نظر تئوری گفتمان مرتبط با ژانرها، عملکردها و مفهوم تفاعل از منظر فرمالیستی را بررسی می‌کند. در این محور، پژوهشگر دیدگاه‌های فرمالیست‌های روسی در مورد تعامل ژانرهای ادبی را عرضه می‌کند. **محور دوم** در مورد تعامل بین فرم ساده و فرم تکمیل شده سخن گفته شده است. **محور سوم** به گفتگو و چند صدایی به عنوان دو مفهوم موازی با مفهوم تفاعل می‌پردازد. **آخرین محور** این فصل درباره نظریه بینامتنیت است و نویسنده بینامتنی و تأثیرات ایده ارتباطی را بررسی کرده است.

فصل دوم: تجلیات فکره «التفاعل»: از طریق تفکر انتقادی. این پژوهش در این فصل به موضوعات زیادی را مورد ملاحظه قرار داده است از جمله سرقت ادبی در شعر، درهم تیدگی ژانرها و تغییر شکل آنها پرداخته است.

بخش دوم: این بخش با عنوان «فی رحاب التفاعل: مشروع قراءة التفاعل الأجناس»، این فصل شامل سه بخش است. **فصل اول** که با عنوان «التفاعل و الجنس الغائب»، (ارتباط و ژانر غایب) آمده است؛ پژوهش در یک مدل تعاملی از طریق «النمر والتعلب» اثر سهل بن هارون را ارائه داده است. در این بخش، پژوهشگر دو محور را بررسی می‌کند: **محور اول** پژوهش در باب تعامل تا دادن سبک به کتاب، و خوانش نظرات در ارتباط با کتاب «النمر والتعلب» دیده می‌شود. **محور دوم** پژوهش مهم‌ترین ویژگی‌های تعامل ژانرها در «النمر والتعلب» را ذکر می‌کند.

فصل دوم: «المقامة والنموذج التفاعلی الشامل». این بخش به تعدادی از پژوهش‌ها در سه محور پرداخته است. **اولین محور** را با مقدمه‌ای در مورد مفهوم کارکرد ارتباطی درون مقامه و برآورد نظرات پژوهشگران در این زمینه آغاز می‌کند. سپس پژوهشی در راستای

پیشینه ظهور و رشد مقامه و پس از آن پژوهشگر رابطه بین مقامات و دیگر ژانرهای ادبی را مطالعه کرده است. پژوهشگر حضور موعظه در مقامه و قاعده‌مند بودن تمجید درون آن را مورد بحث قرار داده و سپس رد پای ژانرهای روایی درون مقامه را کاوش کرده است. دومین محور در ارتباط با مقامات و دیگر ژانرهای کوتاه ادبی. پژوهشگر در این قسمت بسیاری از مباحث را مطرح می‌کند از جمله جنبه‌های ارتباط بین مقامات و معماها و هماهنگی تعاملی آنها را مورد بحث قرار داده است، همچنین تعامل بین ساختار گفتگو، ساختار روایی و بازگشت به مسأله فرم، تفسیر وابستگی کیفی مقامه، و نامگذاری‌های غیر عرفی مقامه را تفسیر و تبیین می‌کند. و محور سوم به پاراگراف‌های بلیغ و متضمن وجود بلاغی درون مقامه پرداخته است.

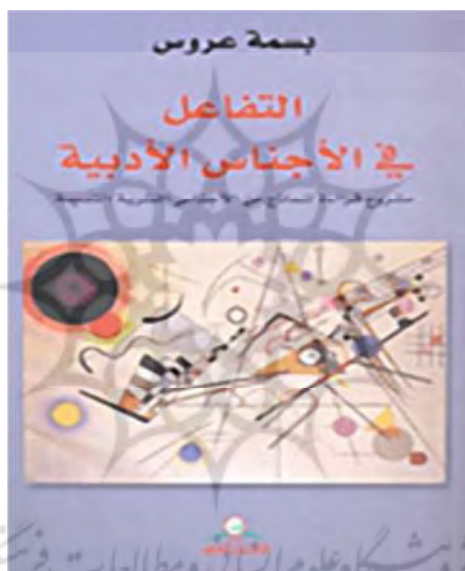
فصل سوم کتاب با عنوان التفاعل اللغوي تفسیر برخی از سبک‌های تعامل درون مقامه را ذکر می‌کند. پژوهشگر به مسائلی همچون نوشتار جدی، نوشته‌های هزلی، فکاهه، و راه و روش نوشتن آنها بیان کرده است. در نتیجه‌گیری این فصل، پژوهشگر تمام محورهای این قسمت از کتاب را یادآوری می‌کند، همچنین قسمت مصادر و مآخذ به دو قسمت تقسیم شده است: بخش اول: منابع و بخش دوم مآخذ عربی و غیر عربی که نویسنده به آنها استناد کرده است. در آخر لازم به ذکر است که این کتاب فهرستی از اعلام و نام‌های مهم نداشته است.

۶. فرم ظاهری کتاب

در نقد و بررسی کتاب‌های نقدی و ادبی، لازم است تا به فرم ظاهری کتاب اهمیت نشان داده شود، زیرا که فرم ظاهری یکی از مهم‌ترین اجزای کتاب است، و این فرم ظاهری است که توانایی جذب خواننده را دارد و توجه خوانندگان را به کتاب معطوف می‌سازد، همچنین در قسمت ظاهری کتاب شما می‌توانید میزان ذوق و سلیقه نویسنده و اهمیت ناشر در امر زیبایی کتاب را ملاحظه کنید و تجربه این دو در چاپ را منعکس می‌کند.

۱.۶ جلد کتاب

نوع جلد کتاب «التفاعل فی الأجناس الأدبية» اثر بسمه عروس کاغذ ساده است، اندازه جلد (۱۷×۲۴) می باشد. نام نویسنده «بسمه عروس» در قسمت بالای جلد قرار گرفته و با خطی درشت تر در پایین نام نویسنده، نام کتاب ذکر شده است. در میانه جلد، قابی مربع شکل قرار دارد که بین دو انتهای آن مجموعه‌ای از اشکال هندسی متقاطع دیده می شود، این اشکال برای خواننده نامشخص و نامفهوم است. بیشتر این اشکال خطوط افقی و عمودی هستند و دایره‌هایی با اندازه‌های مختلف، برخی به رنگ‌های سیاه، زرد، قرمز و آبی هستند و برخی دیگر رنگی به خود ندیدند.



آنچه در جلد چشم گیر است، یک دایره بزرگتر وجود دارد، که به رنگ سیاه است و در گوشه سمت چپ آمده است، شبیه یک خورشید سیاه و تاریک است که توسط هاله‌ای قرمز رنگ و درخشان احاطه شده است، و یک مرکز خاکستری در مرکز آن وجود دارد، و این دایره سیاه بزرگ، وجود ژانرها و ارتباط و عملکرد آنها با یکدیگر را به خواننده القاء می کند. خطوط متقاطع و دایره‌های کوچک پراکنده در مستطیل، تقاطع، انشعاب و دشواری موضوع را نشان می دهد. در پایین صفحه نیز لگوی انتشارات «مؤسسة الانتشار العربی» را در وسط صفحه می بینیم. و جلد پشت کتاب نیز خالی از نوشته آمده است.

۲.۶ تایپ

دقت در نوشتن و تایپ واژگان، لطافت کتاب و زیبایی هنری و ادبی آنرا افزایش می‌دهد، همچنین نظر خواننده را به خود جلب می‌کند و لذت بیشتری به آن می‌بخشد. ما اغلب درمی‌یابیم که پژوهشگر خود، متن کتاب یا مقاله و پژوهش خود را تایپ می‌کند؛ گاهی هم تایپ کردن را به شخص دیگری محول می‌کند، همچنین دیده می‌شود که بعضی از پژوهشگران امر تایپ را به مؤسسات حرفه‌ای محول می‌کنند، و بر روند تایپ نظارت می‌کنند و متن را مرور کرده و آنرا از اشتباهات تایپی اصلاح می‌کنند تا به شکل بهتری صادر شود.

کتاب (التفاعل فی الأجناس الأدبیه) علی رغم کیفیت چاپ و ظرافت در تهیه و آماده کردن آن، با اشتباهات تایپی زیادی همراه بوده، همچنین در بسیاری صفحات این کتاب از علائم نگارشی استفاده نشده، و حتی همزه نیز مورد غفلت واقع شده است. طبیعی است که این ایرادها را به نویسنده کتاب منسوب می‌کنیم، زیرا که این کتاب قبل از اینکه به شکل کتاب صادر شود؛ پایان نامه دکتری بوده است، که توسط کمیته نظارت، داوری و بررسی شده است. لذا با این مقدمه وجود چنین خطاهایی برای نویسنده این کتاب قابل توجیه نمی‌باشد. لازم به ذکر است که نویسنده این کتاب عرب است، و با زبان عربی آشنایی تام دارد، که این امر از سبک نوشتاری وی کاملاً مشهود و نمایان است. برای اینکه از مسأله دور نشده باشیم این خطاها را زیر عنوان اشتباهات تایپی قرار دادیم و خطاهای املائی را نادیده گرفتیم. و پژوهشگر ملزم است که در تکرار چاپ این کتاب، این خطاها را برطرف کند.

۳.۶ حروف چینی

حروف چینی استفاده از حروف، اشکال، خطوط و ترتیب آنها به گونه‌ای است که توجه خواننده را به خود جلب کند. این عملکرد، اغلب توسط ناشر برای اطمینان از کیفیت متون جهت چاپ استفاده می‌شود. حروف چینی کتاب بسیار عالی و مناسب برای مطالعه است. هر صفحه شامل ۲۸ سطر است. عناوین و سرفصل مطالب به شکل بزرگ و برجسته‌ای نمایش داده شده است. اگرچه این کتاب به زبان عربی است، اما شماره‌ها (شماره صفحه،

حاشیه، منابع و تاریخها) به زبان انگلیسی است و این امر توصیه نمی‌شود و یک عیب به حساب می‌آید.

۴.۶ طراحی کتاب

نویسنده/ناشر به مسأله زیبایی کتاب، طراحی حرفه‌ای آن، رعایت حاشیه‌ها و حاشیه‌نویسی، نهایت دقت را به خرج داده است، که این امر باعث بالا بردن کیفیت کتاب شده، همچنین در ارتباط با قسمت شماره گذاری صفحات می‌بینیم که در صفحات راست، شماره گذاری در قسمت چپ قرار دارد، و در صفحه چپ شماره گذاری در قسمت راست جای می‌گیرد، و گاهی هم بالعکس دیده می‌شود. خطاهای سهوی در امر شماره گذاری نیز دیده می‌شود از جمله: شماره صفحه‌های ۱۷۷ تا ۱۸۳ نامنظم است و آن به این ترتیب است: (۱۷۷ - ۱۷۹ - ۱۸۱ - ۱۸۳)، زیرا شماره‌های روبرو حذف شده‌اند: (۱۷۸ - ۱۸۰ - ۱۸۲) و این از ایراداتی است که غیرقابل توجیه است. از آنجا که محورهای پژوهش با کمی ابهام و پیچیدگی عجین شده است، نویسنده حاشیه‌ها را در بیشتر صفحات کتاب افزایش داده است.

۵.۶ قوانین نوشتن

اگرچه سبک نویسنده در نوشتن این کتاب متبحرانه و استادانه است، اما ایراداتی که بیشتر آن موارد تاییبی است، وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- در صفحه ۳۹، پاراگراف آخر، سطر دوم، کلمه (بیقی) به جای (بیقی) اشتباه تایپ شده است.

- در صفحه ۴۵ آمده است: «فإذا ما جئنا إلى مبحث مغاير تمام المغايرة لما طلبنا عثرنا على ما يؤسس لهذا المفهوم...»؛ همانطور که می‌بینیم، دلیل توالی دو عمل (طلبنا عثرنا) مشخص نیست.

- عنوانی که در صفحه ۱۸۱ آمده است با عنوان (التفاعل والجنس الغائب: قراءة في نموذج تفاعلي من خلال "النمر والتغلب") در فهرست کتاب درج نشده است.

- در آخرین سطر صفحه ۲۰۳ کلمه (أراء) به جای (آراء) آمده است.

- غفلت از همزه در برخی از واژگان، به عنوان مثال در سطرهای ۷ و ۹، غفلت از همزه در واژه (او)؛ در سطر دوم صفحه ۲۰۳، همزه در کلمه (الامن) نادیده گرفته شده است.
- در صفحه ۲۰۴، سطر دوم آخرین پاراگراف کلمه (الریاسة) به جای (الرئاسة) آمده است.
- در صفحه ۲۲۵، حاشیه اول با توضیحاتی در مورد «الجاحظ» آمده است، اما پژوهشگر شماره را در متن بر روی «ابن المقفع» قرار داده است.
- پژوهشگر متون شعری را به دقت در صفحات ۱۲۷، ۱۶۴، ۳۳۴ و ۳۵۰ تنظیم کرده و اعراب‌گذاری درستی بر آنها قرار داده است. با این حال، از اعراب‌گذاری و حرکت‌گذاری شواهد گرفته شده از مقامات غفلت شده است، و به نظر بهتر بود که آنها را نیز اعراب‌گذاری می‌کرد. یا حداقل متن ارسالی را برجسته می‌کرد تا خواننده به راحتی می‌توانست نسبت اقتباسات و تعداد آنها در متن را مشاهده نماید.

۶.۶ علائم نگارشی

علائم نگارشی در کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها بسیار مهم هستند. بسمه عروس در استفاده از علائم نگارشی نهایت دقت را به خرج داده، اما کتاب بدون خطاهای سهوی نبوده، و بعضی موارد ناخواسته رخ داده است. یکی از فاحش‌ترین خطاها استفاده از اعداد لاتین به جای اعداد عربی بود، که این امر در یک کتاب علمی به زبان عربی توصیه نمی‌شود، و قابل توجیه نیز نمی‌باشد. نویسنده به جای اعداد و حروف عربی از نشانه‌های لاتین (I)، (II) و (III) استفاده کرده است. حال اگر آن قسمتی که در آن اعداد لاتین استفاده شده را تا آخر اینگونه اختیار می‌نمود، می‌توان از این مسأله چشم‌پوشی کرد، اما می‌بینیم که پژوهشگر از این اعداد لاتین در فصل دوم بخش اول، که در آن چهار عنوان فرعی آمده بود در محور چهارم از این قسمت از عدد (۴) عربی استفاده کرده است، لذا نویسنده به جای (III) عدد (۴) عربی را آورده که این مسأله در کتابی علمی قابل توجیه نیست.

۷.۶ ارزیابی منابع و مآخذ استفاده شده در کتاب

یکی از مهم‌ترین ابزارهای پژوهش علمی، در دست داشتن منابع علمی و مراجع مربوط به موضوع مطالعه است؛ زیرا اتکا به مصادر و مراجع علمی و چگونگی مراجعه به آنها در غنی سازی مطالعه و غنای علمی آن نقش بسزایی دارد. پژوهشگر نمی‌تواند پژوهش خود را بدون در دست داشتن منابع و مآخذ علمی به اتمام برساند و در صورت انجام این کار، ممکن است این پژوهش فاقد متانت علمی باشد. پژوهشگر قرار است منابع و مآخذ را جمع آوری کرده و آنها را قبل از شروع مراحل نوشتن، مطالعه کند.

بسمه عروس نویسنده این کتاب، برای تکمیل مطالعه خود لیستی از مصادر و مراجع عربی و غیر عربی آماده کرده است. تفاوت بین مصادر و مراجع در این است که

مصادر قدیمی‌ترین منابعی که حاوی مطالب در مورد یک موضوع خاص هستند، یا به عبارت دیگر مصادر اولین اسناد و مطالعات منتشره هستند، در حالی که مراجع کتاب‌هایی هستند که برای اتمام پژوهش خود لاجرم باید از مصادر استفاده کنند و مصادر را تحلیل، نقد و یا خلاصه کنند (ابوسلیمان، ۱۹۸۶م: ۳۱).

مصادر منابعی هستند که حاوی مطالب اساسی پژوهش هستند و ممکن است مجموعه‌هایی از شعر یا متون منثور باشند که نویسنده قصد دارد آنها را مطالعه کند و ممکن است قدیمی یا جدید و منتشر یا غیر آن باشند. از جمله مهم‌ترین منابعی که بسمه عروس به آنها استناد کرده عبارتند از: کتاب «النمر والثعلب» اثر سهل بن هارون، مقامات حریری، مقامات همدانی، مقامات الزمخشری و مقامات السیوطی را می‌توان نام برد. اما مراجع

هر آنچه که در مورد ادیبی یا در ارتباط با کارهای وی از جانب پژوهشگران گفته شود، و یا از جانب منتقدان نوشته شود، حال این نوشته‌ها چه به صورت کتاب، پایان‌نامه‌ها، مقالات، و یا حتی ملاحظاتی اندک در روزنامه‌ها و مجلات باشند. همچنین دیده می‌شود که تعداد مصادر بیش از تعداد مراجع است، با این وجود مراجع در درجه دوم اهمیت قرار دارند زیرا که مصادر نوشته اصلی را در خود جای دارند و مراجع در حلد نقد، ترجمه، و خلاصه کردن است (www.eroshen.com).

مهم‌ترین مصادر قدیمی که نویسنده به آن ارجاع داده است می‌توانیم این مراجع را ذکر کنیم: العمدة فی محاسن الشعر و آدابه و نقده اثر ابن رشیق قیروانی؛ عیار الشعر اثر ابن طباطبا؛

البيان والتبيين نوشته جاحظ؛ الوساطة بين أنصار المتنبي وخصومه نوشته عبدالعزيز جرجاني، المحاسن والمساوی كتاب ارزشمنند بیهقی؛ المزهرة في علوم اللغة وأنواعها اثر نویسنده بزرگ سیوطی؛ كتاب الصناعتين اثر أبو هلال عسکری؛ منهاج البلغاء وسراج الأدباء كتاب القرطاجنی؛ رسالة الصاهل والشاحج نوشته شاعر و فیلسوف بزرگ ابو العلاء المعری. و از مصادر جدیدی که پژوهشگر به آنها استناد کرده است می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: شعرية النص الثری؛ مقارنة نقدیة تحليلیة لمقامات الحریری اثر محمد عبدالجلیل أبلأغ؛ تجنیس المقامة اثر محمد أنقار؛ الأدب العربی القديم ونظرية الأجناس؛ إشکالیات القصص نوشته فرج بن رمضان؛ مفهوم الأدبیة فی التراث النقدی اثر توفیق الزبیدی؛ قضية الأجناس الأدبیة فی النثر العربی القديم به قلم عبدالعزيز شبیل؛ نظرية الأدب عند العرب به قلم حمادی صمود؛ الأدب والغرابة اثر عبدالفتاح کیلیطو؛ دینامیة النص اثر محمد مفتاح؛ تطور الأسالیب النثریة فی الأدب العربی اثر أنیس المقدسی؛ شعرية النوع فی قراءة النقد القديم اثر رشید یحیاوی. و از مهم‌ترین مصادر غیرعربی نوشته‌های باختین (Mikhail Bakhtin)، دریدا (Jacques Derrida)، و اروینگ گوفمان (Erving Goffman) را می‌توان ذکر کرد.

اعتماد نویسنده به این مصادر و مراجع می‌توانست نویسنده را کمک کند تا به یک نوشته علمی، جامع و کاملی دست پیدا کند. همچنین با وجود آنکه این کتاب پژوهش دانشگاهی بوده، می‌بینیم که نویسنده در امر ارجاع دهی نهایت دقت را به خرج داده بود، و توانسته است تا امر ارجاع دهی را با موفقیت انجام دهد.

۷. جنبه‌های محتوایی کتاب

انتخاب موضوع تعامل ژانرهای ادبی توسط نویسنده در این کتاب

تلاشی برای بررسی این مفهوم و تلاشی برای بررسی آن و دیگر ژانرهای روایی است، همچنین به دنبال فهم تعامل متن با کارکردهای ارتباطی و میزان تطبیق نظریه کارکردهای ارتباطی بر آنها هستیم. در این امر قسمت نهان قضیه عیان خواهد شد که در تحول ژانرهای ادبی و قبول این تحول به نبوغ یا زوال آن می‌انجامد^۳ (عروس، ۲۰۱۰م: ۱۶).

نویسنده بر روی گونه‌گونی تعامل و مظاهر مختلف آن و همچنین در برنامه‌های کاربردی خود در مورد ژانر مقامه متمرکز شده است، زیرا این اولین نشانه‌ها برای مکاتب

آتولوژی کتاب «التفاعل فی الأجناس الأدبية» در ترازوی نقد ... (رسول بلاوی) ۴۳

مختلف تفکر تعاملی است. نویسنده کتاب «النمر والثعلب» اثر سهل بن هارون را برای نشان دادن این تأثیر و تأثر انتخاب کرده است.

۱.۷ عنوان کتاب

«عنوان» اولین مطلبی است که خواننده با آن مواجه می‌شود. طراحی جلد و عنوان کتاب می‌توانند به عنوان امضای اولیه نویسنده جهت معرفی خود به خوانندگان به حساب آید.

عنوان در نقد مدرن به خوبی شناخته شده است، و تجزیه و تحلیل عنوان از اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا که عنوان متن کوچکی است که در بطن خود عملکردهای فرمی و شکلی، زیبایی‌شناختی و معنایی را در بر دارد. بی‌شک عنوان درب ورود، به مطالبی گسترده‌تر است. همچنین بعضی از منتقدان کتاب را بسان جسد تشبیه کرده‌اند که عنوان آن همانند سر آن جسد است (جاسم، ۲۰۱۳: ۱۴).

لازم به ذکر است که عنوان کتاب خود جزء متن اصلی کتاب است که فضای بیرون را بر درون انتخاب کرده است. لذا عنوان اولین متنی است که فضای جلد را برای خود اختیار نموده، برای همین عنوان را در بالای بیشتر جلد مجموعه شعرها، داستان‌ها و کتب دیگر می‌بینیم.

کتابی که برای پژوهش اختیار کردیم، عنوان آن شامل دو بخش است: بخش اول «التفاعل فی الأجناس الأدبية» با رنگی سُرخ نوشته شده است. کلمه «تفاعل» در بالای صفحه در یک بخش آمده است. سپس در قسمت دوم «فی الأجناس الأدبية» ذکر شده است. و قسمت دوم عنوان با قلمی نازک‌تر نوشته شده است، «مشروع قراءة لنماذج من الأجناس النثرية القديمة» در یک خط دیگر و به رنگ آبی. در حقیقت، عنوان اول فقط یک ایده کلی و نامشخص را نشان می‌دهد، سپس عنوان دوم به خواننده نشان می‌دهد که این کتاب با نثر قدیمی سروکار خواهد داشت. بنابراین نثر و شعر معاصر را از این مطالعه مستثنی می‌کند.

۲.۷ دیدگاه نقدی

مسئله اقتباس و احاله به مصادر از مهم‌ترین مسائل پژوهشی به حساب می‌آیند، و نقطه ضعف بسیاری از پژوهشگران در این امر حساس نمایان می‌شود، در واقع اتکا بر تعاریف بعضی از نظریه‌پردازان بدون بررسی، تجزیه، تحلیل و نقد آن، از مهم‌ترین عیوب و ایرادات پژوهش‌های علمی است. پژوهشگر با این کار عملاً نظر دیگران را تأیید و توجیه کرده، لاجرم در مسئله ارجاع‌دهی بر هر پژوهشگری واجب و لازم است تا نظر و رأی اخذ شده را بررسی، تحلیل، شرح و بسط دهد، و امتناع از این کار تنها مسئله علمی بودن پژوهش را خدشه‌دار می‌کند. در ارتباط با کتاب «التفاعل فی الأجناس الأدبیه» با وجود اقتباس‌های متعدّد و فراوان، متوجّه می‌شویم که پژوهشگر در ارتباط با اقتباس‌هایی که صورت گرفته، اظهار نظر می‌کند، و بسیاری از احاله‌های خود را به روش خاص خود تحلیل و نقد می‌کند. همچنین بسمه عروس در تعریف و توصیف نظریه به آراء و نظریات یک نظریه‌پرداز اکتفا نکرده و مجموعه‌ای از نظریه‌ها را تعیین و تبیین می‌کند.

چه بسا مهم‌ترین ویژگی این کتاب آن است که پژوهشگر یک مصدر قدیمی «مقامه» را براساس نظریات و مراجع جدید تطبیق داده، و می‌توان این اهمیت را نیز از درون کتاب به قلم خود نویسنده مطالعه کرد، نویسنده این کتاب می‌نویسد:

پژوهش ما مرتبط است به نگاهی نقّادانه به بعضی از متون مقامات که در آن مسئله کارکردهای ارتباطی به تمام صورت‌های مختلف آن استفاده شده است، و این امر ما را به ارتباطی فرمی و اهمیت ژانرها و کارکرد آنها در مسئله ارتباطی و تفاعلی، سوق داده، همچنین این مسئله را در مهم‌ترین اثر قرن سوم هجری کتاب «النمر والتغلب» اثر سهل بن هارون که به عقیده ما این اثر سرآغاز کارکردهای ارتباطی به حساب می‌آید، مورد بحث و بررسی قرار دادیم^۴ (عروس، ۲۰۱۰م: ۴۴).

همانطور که مشهود است، مطالعات زیادی در مورد مقامات در گذشته و در دوران معاصر نوشته شده است، اما بیشتر این مطالعات در مورد موضوعات قدیمی مانند تحلیل گفتمان، تصنع، بینامتنیت، مکان، پارادوکس، روایت، میراث، سبک و بلاغت متمرکز است. با این حال، این کتاب برای پرداختن به جنبه جدیدی از نقد و بررسی مقامات بود که قبلاً به آن اشاره نشده است.

این کتاب با سودمندی فراوان در زمینه نقد متون مشهور کهن، متناسب با موضوعات دانشگاهی مورد توافق در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های ایران نیست. اما،

آنتولوژی کتاب "التفاعل فی الأجناس الأدبیه" در ترازوی نقد ... (رسول بلاوی) ۴۵

به دلیل اهمیت موضوع و تمرکز آن بر مقامات، می‌تواند یک منبع حاشیه‌ای برای تجزیه و تحلیل متون نثر قدیم در دورهٔ دکترا باشد. لازم به ذکر است که این کتاب به دلیل سختی سبک نوشتن، همچنین نحوهٔ نگارش و تهیهٔ آن، و پرداختن به نظریات پیچیدهٔ غربی، برای مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مناسب نیست.

۳.۷ جنبه‌های نوآوری در کتاب

بیشتر نظریه‌پردازان در زمینه تحقیقات علمی بر این باورند که مهم‌ترین جنبه‌های جدید در مطالب علمی کتاب را می‌توان در مقدمه و نتیجه‌گیری جستجو کرد، زیرا پژوهشگران در مقدمه روش پژوهش، طرح مسأله، هدف و سؤالات خود را مطرح می‌کنند، و پس از مطالعه و تجزیه و تحلیل موضوع، آنها به سؤالات موجود در نتیجه پاسخ می‌دهند (خاکی، ۱۳۸۶ش: ۵).

هر آن‌کس که کتاب (التفاعل فی الأجناس الأدبیه) را ورق بزند، می‌تواند با نگاهی اجمالی به مقدمه و نتیجه‌گیری، اهمیت کتاب و جنبه‌های جدید آن داشته باشد. در این کتاب، دکتر حمادی صمود، استاد راهنمای پایان‌نامه، مقدمه‌ای در ابتدای کتاب منتشر شده می‌نویسد، که راه را برای مطالعه هموار می‌کند و بسیاری از جنبه‌های آنرا به تصویر می‌کشد. سپس پژوهشگر یک مقدمهٔ ۴ صفحه‌ای و سپس مقدمهٔ ۱۲ صفحه‌ای می‌نویسد. این مقدمه‌ها می‌تواند ایده‌ای در مورد فرم کتاب، رویکرد و جنبه‌های نوین آن به خواننده ارائه دهند. در ارتباط با نتایج، پژوهشگر در پایان هر مبحث نتیجه‌ای ذکر می‌کند و مهم‌ترین یافته‌هایی را که به دست آورده را شرح می‌داد، همچنین علاوه بر این نتایج در انتهای کتاب قسمت (خاتمه البحث) را ذکر کرده که مجموعه‌ای از نتایج به دست آمده در این قسمت‌ها بوده است.

۴.۷ فواید کتاب

بسمه عروس برای تحلیل مقامه که یک اثر قدیمی به حساب می‌آید، با یک نظریهٔ معاصر آن را تحلیل و تبیین می‌کند. وی کتاب را در ۶۶۰ صفحه نوشته است، که این میزان تعداد صفحات نشان از تسلط نویسنده بر موضوع و تطبیق صحیح نظریه بر مصدر ادبی دارد، همچنین ناگفته نماند که نویسنده در این پژوهش مراجع دسته اول عربی، و غیرعربی زیادی

مورد استفاده قرار داده است، که این خود قوت و قدرت نویسنده بر انتخاب متون اقتباس شده را نشان می‌دهد. لاجرم مسأله «ژانرهای ادبی» مسأله‌ای کار شده است، و قبل از این پژوهش، پژوهش‌های زیادی در این حیطه نوشته شده است، اما نویسنده با علم بر این موضوع، پژوهش خود را با لفظ «تعامل» محصور می‌کند، تا دامنه این پژوهش محدودتر شود، همچنین این لفظ «تعامل» ارزش ادبی و نقدی پژوهش را بالاتر می‌برد.

۵.۷ نواقص و معایب کتاب

علی‌رغم اهمیت موضوع مورد پژوهش و دقت پژوهشگر در پرداختن به مسائل، نواقص و معایبی در کتاب دیده می‌شود. از مهم‌ترین معایب این کتاب که باعث شده متن سنگین و نامفهوم نمایان شود اعتماد پژوهشگر به آراء و نظریات غربی‌هاست، و اینکه این آراء و نظریه‌ها را بدون شرح و بسط منتقل کرده و تلاشی برای شرح آسان این نظریه برای خواننده خود ارائه نداده است، و پژوهشگر می‌بایست این نظریه‌ها را به گونه‌ای آسان‌تر تعریف کند تا به ذائقه خواننده عربی نزدیک‌تر باشد. همچنین مقدمه این کتاب خالی از اطناب نیست، و بنا به عقیده متواضع ما؛ مقدمه کتاب، شرایط مقدمه علمی را ندارد، زیرا که مقدمه علمی باید دارای مسائلی همچون بیان مسأله پژوهش، بیان اهداف پژوهش، روش پژوهش، و همچنین ذکر مهم‌ترین محورهای کتاب، و بی‌شک با این مقدمه ناقص و غیرعلمی، خواننده نمی‌تواند درک درستی از کتاب داشته باشد، زیرا که مقدمه در ۱۲ صفحه و تنها تعریف تعامل و مفاهیم آن براساس نظر نظریه‌پردازان این شاخه از علوم انسانی آمده است.

همچنین پژوهشگر در قسمت توصیفی کتاب و بیان و تعریف نظریه بیش از حد اطناب و تفصیل داشته‌اند زیرا که قسمت اول کتاب در ۱۷۸ صفحه آمده است؛ و در قسمت دوم که باید به مسائل تحلیلی بپردازد باز هم به مسائل توصیفی و تعریفی نظریه پرداخته است. پژوهشگر مسأله ژانرهای ادبی را نادیده گرفته و تعریفی از آن دیده نمی‌شود و تمام تمرکز خود را وقف التفاعل کرده بود حتی سؤالات پژوهش در قسمت مقدمه صفحه ۲۴ در حیطه مفهوم تفاعل آمده است: تفاعل چیست؟ آیا لفظ تفاعل تنها یک لفظی است که به جای مفهوم تداخل استفاده می‌شود؟ ماده مناسب تفاعل چیست؟ آیا می‌توانیم مبدأ تفاعل رمز که در پژوهش‌های اجتماعی تجلی پیدا می‌کند بر پژوهش ادبی منطبق کنیم؟ در خاتمه این کتاب آمده است: «در طول این پژوهش تلاش کردیم تا نقش کارکرد ارتباطی جهت

تشکیل ژانر ادبی را نشان دهیم، و می‌توان گفت که ژانرهای ادبی ویژگی‌های خود را تنها از عملکردها نمی‌گیرند بلکه قسمتی از ویژگی‌های خود را از دیگر ژانرها دریافت می‌کند^۶» (عروس، ۲۰۱۰م: ۴۴۶). همانطور که مشاهده می‌کنیم تمرکز پژوهشگر تنها به لفظ «التفاعل» بوده و بقیه اصطلاحات را نادیده گرفته است.

پژوهشگر بر منابع و نظریه‌های غربی بیش از مصادر عربی تمرکز کرده. همچنین پژوهشگر تلاش منتقدان و دیگر پژوهشگران مطرح در زمینه نظریه «تعامل» و نقد آنرا انکار کرده است. «مسأله خوانش ارتباطی به یک مسأله جانبی و حاشیه‌ای باقی مانده است، و پژوهشگر تنها برای توصیف نظریه آنرا ذکر می‌کند و نه برای تطبیق این نظریه بر متون ادبی^۷» (همان: ۲۳).

با کمی بررسی مصادر و کتاب‌های معتبر معاصر خواهیم دید که پژوهش‌هایی علمی و نوشته‌هایی توصیفی - تحلیلی مهمی نوشته شده است، و چیزی که پژوهشگر به آن معتقد بوده و آن اینکه نظریه تعامل تنها به صورت نظری در کتب یافت می‌شود؛ تنها یک ادعای نادرست است.

۸. نتیجه‌گیری

با بررسی کتاب «التفاعل فی الأجناس الأدبیه» اثر نویسنده عربستانی به نام بسمه عروس به نتایجی دست یافتیم، از مهم‌ترین نتایج این پژوهش موارد زیر را ذکر می‌کنیم:

- این کتاب که در واقع پایان‌نامه مرحله دکتری بوده، به دنبال یافتن و خوانش ارتباطی ژانرهای ادبی بود، همچنین نویسنده قصد داشته تا روابط نهان بین سبک‌های ادبی را کشف کرده و سلسله تأثیر و تأثر ژانرها از یکدیگر و به هم پیوستگی آنها را شرح دهد، و میزان سهم هر ژانر در کارکرد ارتباطی را بیان کند، گرچه نقطه تمرکز این نویسنده بر مقامات بود.

- **بسمه عروس** در کتاب خود با تمرکز بر ژانر مقامه و تطبیق نظریه‌های جدید بر نثر قدیم به خواننده نشان داد که این متون قدیمی شامل یک کارکرد ارتباطی سبکی هیجان‌انگیز است، زیرا مقامه، مانند همه ژانرهای ادبی، با ویژگی‌های مختلف متمایز می‌شوند که آنها از تأثیر و تأثر و تعامل با دیگر ژانرها شکل نهائی خود را به دست می‌آورند.

- از مهمترین ویژگی‌های بارز این کتاب می‌توان به روش علمی آن اشاره کرد، نویسنده در این کتاب مسأله علمی را رعایت کرده، و کتاب را به فصل‌های مختلف با محورهای مناسب تقسیم نموده است. همچنین طراحی جلد و کیفیت طراحی آن نشان از ذوق و قریحه نویسنده و ناشر است، این سلیقه طراح و ناشر نیز در مسأله لایه‌بندی، حروف‌چینی، و فاصله خطوط نیز نمایان است که به لطافت و زیبایی کتاب انجامیده است. با وجود خطاهای تایپی و املائی در کتاب، اما استفاده از واژگان مناسب در بیان مقصود خویش از نقاط قوت این نویسنده است. طبیعتاً هیچ نوشته‌ای خالی از نقص نبوده و نیست، این کتاب نیز دارای خطاهای سهوی بوده که می‌توان مسأله اعراب‌گذاری شعر، و عدم اعراب‌گذاری متن مقامه را از مهم‌ترین خطاها دانست، زیرا که متن اصلی مقامه اعراب‌گذاری شده است و بر نویسنده واجب بود تا واژگان صحیح را در ارجاع‌دهی خود منتقل کند. همچنین اشتباهات تایپی و املائی، و عدم استفاده از علائم نگارشی یکی دیگر از این خطاهاست.

- متأسفانه یکی از معایب این کتاب اقتباس نظریه از نظریه‌پردازان غربی بدون شرح و بسط نظریه‌هاست، که متن کتاب را به متنی خشک و نامفهوم مبدل ساخته است. پیچیدگی تعاریف این نظریه‌ها در قسمت نظری کتاب، و نامفهوم بودن تعریف‌ها سبب گشته است که این کتاب مناسب مواد درسی دانشگاهی خصوصاً در مرحله لیسانس و فوق‌لیسانس نباشد، لذا به دلیل پیچیدگی تعاریف نظری، کتاب را متناسب با دروس آکادمیک مورد توافق در رشته زبان و ادبیات عرب در دانشگاه‌های ایران نمی‌بینیم. باین وجود، می‌توان این کتاب را در مرحله دکتری معرفی نماییم، زیرا که در مطالعه متون قدیمی می‌توان برای تحلیل این نوع متون از نظریات جدید بهره برد، و این کتاب نمونه‌ای موفق در تطبیق نظریه جدید بر متون قدیم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. تکامل ژانرهای ادبی در پرتو نظریه‌های انتقادی مدرن: مقایسه‌ای انتقادی
۲. حمادی صمود، متولد ۱۹۴۷م، استاد، و نویسنده تونسی که عضو "مؤسسه بیت الحکمه" می‌باشد.

۳.

محاولة لسبر هذا المفهوم ومحاولة اختباره واختبار بعض الأجناس الأدبية الثرية من خلاله وتبيين مدى استجابتها لقراءة تفاعلية ومدى هذه القراءة في الكشف عن القوانين الخفية لتحوّل الأنواع والأشكال وحقيقة القيم التي تنشدها من خلال تحوّلها وتقلّبها في شتى المنازل أو زوالها عن مراتبها الأصلية (عروس، ۲۰۱۰م: ۱۶).

۴.

تجلّت محاولتنا إجراء هذه القراءة من خلال النظر في بعض نصوص المقامات بغية استجلاء المظاهر التي تشتمل على تعامل أجناسي أو على شتى أشكال التفاعل وصيغته وهو ما قادنا إلى تبين أهمّ مظاهره الراجعة بالأصل إلى تفاعل شكلاني والوقوف على أهمية الأشكال ودورها في العملية التفاعلية إلى جانب النظر في أثر نعتيه من أهمّ ما كتب في القرن الثالث للهجرة، كتاب "النمر والتعلب" "لسهل بن هارون" الذي يعدّ - في رأينا - فاتحة لمظاهر تفاعلية ونزعات تبلورت في ما بعد في آثار متأخرة (عروس، ۲۰۱۰م: ۴۴۴).

۵. ماهو التفاعل؟ هل هو مجرد لفظ يستعمل بديلاً عن مفهوم التداخل؟ ماهي الدراسة الأنسب للتفاعل؟ وهل يمكن أن نطبّق مبدأ التفاعل الرمزي كما تجلّى في الدراسة الاجتماعية على الدراسة الأدبية؟

۶.

لقد حاولنا من خلال مختلف مراحل هذا البحث إبراز دور البعد التفاعلي في إنشاء الجنس الأدبي ونحت سماته المميّزة ممّا يمكن من القول إن الأجناس لا تتخذ سماتها فقط انطلاقاً من الوظائف التي تنهض بالتعبير عنها والأغراض التي تنشأ لأجلها وإنما تستمدّ بعضاً من هذه السمات من خلال أشكال التعامل مع الأجناس المجاورة لها أو الاقتران بها واستعارة خصائصها (عروس، ۲۰۱۰م: ۴۴۶).

۷.

إن فكرة التفاعل قد بقيت مجرد رأي جانبي يأتي به الباحث في سياق التعبير عمّا تستثيره فيه مختلف الظواهر الأدبية وليس تطبيقاً لمبادئ أو تصوّرات صارمة تنتمي إلى مذهب مخصوص في مقاربة الظواهر الأدبية أو ابتكار نسق نظري جديد يمكن أن ينتظم مفاهيم التفاعل ويؤطرها. (عروس، ۲۰۱۰م: ۲۳).

کتاب نامه

أبو سليمان، عبد الوهاب إبراهيم (۱۹۸۶م)، كتابه البحث العلمي ومصادر الدراسات الإسلامية، ج ۳، جده: دار الشروق.

ترکی، طارق (بی تا)، «تداخل الأجناس الأدبية بين القديم والحديث»، مجلة الآداب واللغات، دانشگاه محمد البشير الإبراهيمی برج بوغریج - الجزائر، جلد ۶، شماره ۲، صص ۲۲ - ۲۷.

تليمه، عبدالمنعم (۱۹۷۶م)، مقدمه في نظرية الأدب، قاهره: دار الثقافة.

جاسم، جاسم محمد (۲۰۱۳م)، *جماليات العنوان: مقارنة في خطاب محمود درويش الشعري*، عمان: دار مجدلاوى.

خاكي، غلامرضا (۱۳۸۶ش)، *روش تحقيق با رويکرد پايان نامه نويسي*، تهران: انتشارات بازتاب. سيد أحمد، حيدر محمد جمال، (۲۰۱۱م)، «شعرية العنونة: عزالدين المناصرة نموذجاً»، *مجلة الجامعة الإسلامية للبحوث الإنسانية*، غزة، الجامعة الإسلامية، جلد ۱۹، شماره ۲، صص ۱۲۰۷-۱۲۳۶. الطائي، حسن دخيل (۲۰۱۳م)، «تداخل الأنواع الأدبية النشأة والتطور»، *مجلة العلوم الإنسانية*، دانشكده الترييه للعلوم الإنسانية، بابل، شماره ۱۶، صص ۴۱-۵۸.

عتيق، عمر عبدالهادي (۲۰۰۸م)، «تداخل الأجناس الأدبية في رواية "عكا الملوك" للروائي أحمد رفيق عوض»، *همایش التقدم الدولي ۱۲*، دانشگاه اليرموك، دانشكده الآداب، گروه زبان عربي. عروس، بسمه (۲۰۱۰م)، *التفاعل في الأجناس الأدبية / مشروع قراءة لنماذج من الأجناس التراثية القديمة*، ج ۱، بيروت: مؤسسة الانتشار العربي.

فلاح، حسينة (۲۰۱۶م)، «التفاعل النصي - الأجناسي في ثلاثية أحلام مستغانمي»، *مجلة الخطاب*، دانشگاه مولود معمري، جزائر، شماره ۲۱، صص ۵۹ - ۸۰.

قاسم، نادر (۲۰۱۶م)، «نظرية تطور الأجناس الأدبية في ضوء النظريات النقدية الحديثة: مقارنة نقدية تحليلية»، *مجلة أمّاراباك*، الأكاديمية الأمريكية العربية للعلوم والتكنولوجيا، المجلد ۷، شماره ۲۲، صص ۳۷ - ۴۶.

قسومة، الصادق (۲۰۰۴م)، *نشأة الجنس الروائي بالشرق العربي*، ج ۱، تونس: دار الجنوب للنشر. مباركيه، سليم (۲۰۱۷م)، *تداخل الأنواع الأدبية في رواية "جسر البوح وآخر للحنين" لزهور ونيسى*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه العربي التبسی - تبسة، جزائر، دانشكده زبان و ادبيات، گروه زبان وادبيات عربي.

مطلوب، احمد (۲۰۰۰م)، *معجم المصطلحات البلاغية وتطورها*، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.

هلال، محمد غنيمي (د.ت)، *الأدب المقارن*، بيروت: دار العودة ودار الثقافة.

ويس، أحمد محمد (۲۰۰۹م)، *دراسات مختارة في نظرية الأدب*، دمشق: دار كيوان.

يحيواي، رشيد (۱۹۹۱م)، *مقدمات في نظرية الأنواع الأدبية*، ج ۱، المغرب: الدار البيضاء.

مصادر اينترنتي:

سایت الروشن العربي، «ماهو الفرق بين المصادر والمراجع؟»، ۲۰۱۷م، على الرابط التالي: